

هم دستور زدن داریم، هم

دستور بردن؛ پلیس باز هم به مراسم معلمان حمله کرد

محمود سرابی

یکشنبه بیست یکم مهر ۱۳۸۷

"هم دستور زدن داریم و هم دستور بردن". این تمام حرفی است که ماموران لباس شخصی بی سیم به دستی که علی اکبر باغانی را کشان کشان به همراه بهشتی لنگرودی به گوشه ای می بردند تا "توجیه" شان کنند بر زبان می راندند. به این ترتیب، مراسمی که قرار بود با يك هفته تاخیر، با هدف فروکش کردن حساسیت ها به مناسبت روز جهانی معلم در تهران برگزار شود، با دخالت مجدد نیروهای امنیتی ناکام ماند.

ماموران لباس شخصی و نیروهای ضد شورش پلیس، باتوم و سپر به دست، نه برای فرونشاندن يك شورش، بلکه برای پراکندن عده ای آمده بودند که قصد داشتند مراسم تقدیر از چند پیشکسوت فرهنگی را در خانه سازمانهای غیر دولتی در نبش خیابان نجات الهی و ورشو برگزار کنند.

این محل که در اختیار شهرداری تهران است، پس از ایزنی بسیار زیاد معلمان وتشکل های صنفی فرهنگیان با شهرداری تهران در اختیار آنان گذاشته شده بود تا مراسم بزرگداشت خود و تقدیر از چند معلم نمونه را در آن برگزار کنند؛ مشروط بر آنکه نام هیچ تشکل صنفی و سیاسی در آن آورده نشود وسخترانی ها به هیچ عنوان سیاسی و صنفی و اعتراضی نباشد. محمد علی نجفی، عضو اصلاح طلب شورای شهر تهران و وزیر اسبق آموزش و پرورش یکی از کسانی بود که قرار بود در این مراسم سخنرانی کند. همچنین، برای قالیباف شهردار تهران نیز وقت سخنرانی در نظر گرفته شده بود و از این رو بود که برای مدعوین، دعوتنامه ای بدون اشاره به هیچ تشکلی ارسال شد، در حالی که طبق دعوتنامه، یکی از میزبانان مراسم شهرداری تهران بود.

اما با این وجود تمامی این تمهیدات، از برگزاری چنین مراسمی جلوگیری بعمل آمد.

اطلاعات: تجمع نباید برگزار شود

مراسم قرار بود ساعت ۱۳ ظهر پنج شنبه برگزار شود، اما به گفته منابع آگاه، يك ساعت قبل از آن با محمود بهشتی لنگرودی تماس گرفته می شود. تماس گیرنده خود را از وزارت اطلاعات معرفی می کند و می گوید مراسم نباید برگزار شود. اما بهشتی لنگرودی، از اعضای کانون صنفی معلمان، زیر بار نمی رود.

چند ساعت مانده به آغاز مراسم، فرمانده کلانتری منطقه، علی اکبر باغانی از دیگر اعضای کانون صنفی معلمان را می یابد و به او اعلام می کند که مراسم نباید برگزار شود، چون مجوز آن ساعت ۱۱ صبح باطل شده است. باغانی تعجب می کند. لنگرودی می گوید ما مراسم را برگزار می کنیم. البته دستور جلسه، " شعر خوانی" و "موسیقی" به مناسبت بزرگداشت "روز جهانی معلم" بود.

این در حالی بود که در گوشه و کنار پارك جلوی این تالار، به سبک همه مراسم چند سال اخیر کسانی بودند که از

هرکس که به این جشن می آمد فیلم برداری می کردند. در حالی که پارک در محاصره لباس شخصی ها بود، نیروهای ویژه، از ضلع شمالی وارد پارک شدند رفتار و گفتارشان تحقیرآمیز بود. در بدو ورود، یکی دوجوان بی خبر از ماجرا را به کتک گرفتند.

همه هنوز ایستاده بودند. هنوز البته هیچ باتومی به معلمان اصابت نکرده بود. سپس، نیروهای امنیتی و انتظامی شروع به متفرق نمودن معلمان با روش های مرسوم در "طرح امنیت اجتماعی" کردند. کل معلمان که اندکی از آنان قبلا از سالن مراسمی که هنوز شروع نشده بود بیرون آمده بودند، با عکس العمل غیر منتظره نیروهای امنیتی، وارد فضای سبز جلوی ساختمان شدند.

حمله نیروهای امنیتی به مراسم

نیروهای امنیتی اعلام کردند تجمع بیش از يك نفر ممنوع است. سپس، پلیس ضد شورش وارد عمل شد و برای تخلیه پارک به معلمان و سایر افراد حاضر ۳ دقیقه مهلت داد. پس از این ضرب الاجل، نیروهای واکنش سریع با حرکات ویژه و با کوبیدن باتوم به سپرهایی که در دست داشتند و ایجاد صدای وحشت آمیز وارد عمل شده و شروع به ضرب و شتم شدید مردم و معلمان حاضر در آن جا نمودند.

علی پور سلیمان می گوید: "صحنه هایی که در این مکان توسط نیروهای امنیتی و انتظامی خلق شد بدیع و در نوع خود کم نظیر بود".

صدای آژیر کل فضا را گرفته بود و خیابان های اطراف از نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش موج می زد. بیشتر نیروها، لباس شخصی ها بودند. آنها تا شعاع حدودا یکصد متری را در چهار راه مقابل تالار، در خیابان شاداب، خیابان نجات الهی و و خیابان رشو پوشانده بودند. مردم عادی را زود متفرق می کردند تا فقط معلمین باقی بمانند.

حدود نیم ساعت داد و فریاد و صدای باتوم ادامه یافت و شایع شد برخی معلمین - از جمله باغانی و بهشتی - را گرفته اند. اما معلمان قصد دور شدن از محل را نداشتند و شعار می دادند: "دوستانمان را آزاد کنید" و "نیروی انتظامی خجالت، خجالت".

در این اثنا خبر رسید که هیچ معلمی بازداشت نشده و دستگیرشدگان، در واقع به کناری کشیده شده بودند تا به آنها بگویند ما برای هر کاری دستور داریم، هم برای زدن و هم برای بردن. معلمان که بار اولشان نبود که زده یا برده می شدند فهمیدند معنای این سخن چیست، اما همچنان ماندند.

در این هنگام ماموری لباس شخصی که قد کوتاهی داشت مقوایی در دست به سمت در ورودی تالار رفت. روی انگشت پاهایش بلند شد و مقوا را روی در چسباند: "به علت ترکیبگی لوله ها تمام برنامه های امروز این سالن ملغی اعلام می شود".

اما معلمان خواستار آن بودند که مراسم در همین فضای سبز برگزار شود.

به گفته یکی از فعالان صنفی معلمان، در صورت به هم نخوردن مراسم "قرار بود یک برنامه ی جشن شامل ارائه ی مقالات مناسب با بزرگداشت روز جهانی معلم و تقدیر و تشکر از تعدادی از موسسیدان این عرصه در کشور باشد. تعدادی شاهنامه ی فردوسی و تقدیر نامه آماده شده بود برای هدیه دادن. بصورت نمادین قرار بود یک دانش آموز نیز در این

مراسم سپاسنامه ای را قرائت کند . چند پاور پوینت با عکس کارت های الکترونیکی روز جهانی معلم و موسیقی آماده شده بود و مسابقه ای با سوالاتی که از روز جهانی معلم طراحی شده بود آماده ی برگزاری گردید . سرودی آماده شده بود و از آقای خانعلی برادر شهید خانعلی و آقای فرد از فعالین معلمین حوادث ۱۳۲۰ دعوت شده بود تا از ایشان نیز تقدیر گردد . قرار بود آقای قالیباف در جلسه حضور پیدا کند و ۱۰ دقیقه حرف بزند . بهشتی نیز در پایان صحبت هایی در باب روز جهانی داشته باشد و آقای نجفی وزیر پیشین که روز جهانی معلم در زمان وزارت او تایید شده بود و همینطور آقای حاج بابایی رئیس کمیسیون فرهنگیان مجلس هم دعوت شده بودند که به خاطر اینکه پنج شنبه شهرستان حضور داشتند عذر خواستند و وعده ی جلسه ی بعد را دادند."

اما برهم زندگان اعلام می کنند که برنامه را به هر قیمتی متوقف می کنند . مدعوین ناراحت بودند؛ برای جشنی دعوت شده بودند، آمده بودند تا روزشان را جشن بگیرند ولی آنها را به داخل ساختمان هم راه نمی دادند.

حلقه پلیس ضد شورش و نیروهای لباس شخصی ذره ذره تنگ ترمی شود. در ضلع شرقی که مرز پارک و خیابان است انبوهی از نیروهای انتظامی جمع شده بودند و هر لحظه بر تعدادشان افزوده می شود. جمع که به این نتیجه رسیده بود که جشن را در پارک برگزار کند به دنبال قاری قرآن است. ماموران از ادامه مراسم جلوگیری می کنند. یکی از معلمان می گوید می خواهیم قرآن بخوانیم جرم است؟ ماموری دست او را می گیرد و تهدید می کند که بازداشتت می کنم. محمود بهشتی لنگرودی با قاطعیت برنامه را اعلام می کند. به ماموران می گوید ما قرآن می خوانیم و مختصرا همین جا از همکاران تقدیر می کنیم. یکی از معلمان ها می رود شاهنامه ها را بیاورد. به ناگاه گروهی با لباس پلیس ضد شورش و باتوم به دست تهاجم می کنند. به طرف معلمان می آیند و آنها را دوره می کنند و به بیرون پارک می فرستند.

ساعت ۱۳ شده است و پارک تقریبا خلوت است. ماموران به نتیجه ای که می خواستند رسیده اند.

گفته میشود چند نفر دستگیر شده اند. از جمله فلاحی، باغانی، بهشتی لنگرودی و... گویا همه آنها به سرعت آزاد شده اند، اما لوازمی همچون موبایل تعدادی از معلمان توقیف شده است.

محمود سرابی

سایت روز- یکشنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۷ [۲۰۰۸،۱۰،۱۲]